

ایستگاه صلواتی طبرسی شمالی، شنبه شب‌ها با پذیرایی و برنامه‌های فرهنگی، میزبان رهگذران است

## شنبه‌هایی به نام ام‌البنین (س)

بسیجی پایگاه ریحانه النبی (س)، شنبه شب‌ها، آماده توزیع در ایستگاه صلواتی نبش طبرسی شمالی ۴۲ شود.

### ● حس خوب در یک غرفه

غرفه حس خوب، یکی از بخش‌های فرهنگی این ایستگاه صلواتی است. روی دیوارهای غرفه، تصاویر شهدا نصب شده است و برش‌هایی از وصیت‌نامه‌هایشان در طومارهای کوچک روبان پیچ شده به رهگذران اهدا می‌شود؛ فرازهایی که از توجه ویژه شهدا به پوشش عقیقانه، حکایت دارد. روی قالی پهن شده در پیاده‌رو نیز، حلقه‌های کوچکی، تشکیل شده است و خانم‌ها در حال گفت‌وگو درباره مسائل روز هستند. بچه‌ها هم نقاشی می‌کشند و با نخودچی پذیرایی می‌شوند.

ضمیمه فرهنگی این موبک، حاصل تلاش و هنرمندی طاهره نفیسی، مسئول فرهنگی پایگاه بسیج ریحانه النبی (س) و همراهی دیگر بسیجیان مسجد امام زمان (عج) است. وجه مشترک صحبتشان این است که کار را گروهی پیش می‌برند و به واسطه این قدم‌خیز، شاهدگره‌های کوری بوده‌اند که باز شدن آن، تنها با شفاعت بانویی آبرومند همچون حضرت ام‌البنین (س) ممکن شده است. آن‌ها که هفته‌های اخیر، از حوالی ساعت ۱۶ کارشان را با پخت ماکارونی در منزل زهرا خانم قاسمی شروع کردند. ساعت حوالی ۲۱، همچنان سرپا بودند و مشغول تقدیم خوراکی، آشامیدنی و بسته‌های فرهنگی به کسانی که مهمان سفره بابرکت ام‌البنین (س) به شمار می‌رفتند.

حضرت ام‌البنین (س) و معصومین (ع) این طور می‌گوید: ابتدای کار، پای حاجت در میان نبود. فقط دوست داشتم خادم این خاندان باشم. به دلم افتاد کار را با نام حضرت ام‌البنین (س) شروع کنم و شنبه‌ها، ایستگاه صلواتی راه بیندازم. همه چیز را سپردم به خانم و فرزندشان حضرت ابوالفضل (ع). مقدمات، جور شد. همیشه همین طور است. بزرگوارتر از این هستند که خادمان را به دغدغه بیندازند.

اعتقاد دینی محکم اهالی محله، رهگذران و نمازگزاران مسجد امام زمان (عج) در طبرسی شمالی، پشتوانه زهرا خانم برای استمرار این کار خیر به شمار می‌رود. ندورات مردمی از جایی که گمانش را نمی‌برد، فراهم می‌شود تا دم‌نوش‌های چای خانه و لقمه‌های تبرکی برای شام، با کمک خواهران



فرزانه‌های شهامت برای زهرا قاسمی، زیارت آن روز در صحن و سرای امام رئوف (ع). تفاوت داشت باز یارت دیگر روزهای این سفر و نیز متفاوت با دفعه‌های پیش که به مشهد آمده بود. این بار، گفت‌وگو با آقا، همراه با شیرینی عمیقی بود که نمی‌توانست از آن دل بکند. چاره‌ای نبود انگار. باید راه برگشت به خانه و کاشانه‌اش در شهرستان انار از توابع استان کرمان را در پیش می‌گرفت. با حسرت رو کرد به نشو و نهش و گفت‌ای کاش می‌شد برای همیشه، مشهد بماند.

حرف برآمده از دل زهرا، بر دل شوهرش نشست و با پاسخی دور از انتظار، همراه شد: «خب بمانیم!» آن‌ها دیگر به خانه‌شان در انار برنگشتند، حتی برای جمع کردن اثاثیه‌شان. تا اطرافیان، وسایل این زوج کرمانی را برای ارسال به مشهد، بسته‌بندی کنند. این دو هم به دنبال محلی برای سکونت و کسب و کار افتادند. مغازه و منزلی استیجاری در محله طبرسی شمالی پسند شد؛ درست همین جایی که از دو سال پیش، با توق فعالیت‌های فرهنگی زهرا خانم در قالب سفره شنبه‌های ام‌البنین شده است.

### ● خدمت، بدون چشمداشت

فوق دیپلم کامپیوتر دارد و بیست سال از ورودش به دنیای دندان‌سازی مصنوعی و متحرک، می‌گذرد. زهرا خانم قاسمی که اکنون خود را با افتخار، همسایه امام رضا (ع) و شهروند محله طبرسی شمالی می‌داند، از ارادت قلبی‌اش به

بچه‌های مسجد قائمیه، نمایشگاه هفته دفاع مقدس را به میان مردم بردند

## محفل شهدا، میزبان اهالی محله



سید اسماعیل موسوی، بسیجی پایگاه قائمیه و مسئول برگزاری این نمایشگاه، می‌گوید و ادامه می‌دهد: ابتدا تصمیم داشتیم نمایشگاهی در مسجد برگزار کنیم، اما با توجه به شرایط کنونی کشور و حضور مردم در اجتماعات مردمی، با همفکری بچه‌های مسجد تصمیم گرفتیم نمایشگاه را در معبری که رفت‌وآمد شهروندان و محل اجتماع مردم است، برگزار کنیم تا افراد بیشتری از فضا و برنامه‌های این نمایشگاه بهره‌مند شوند. اودر حالی که از نوجوانان می‌خواهد صوت محفل راه‌اندازی کنند، ادامه می‌دهد: با همین تصمیم، سازی از حدود صد مترمربعی با همکاری معاونت فرهنگی شهرداری منطقه ۴ برپا کردیم؛ فضایی که قرار بود علاوه بر نمایش تصاویر شهدا، حال و هوای یک سنگر را برای مخاطبان تداعی کند. بچه‌ها دست به کار شدند و داخل و بیرون سازه را آیین‌بندی کردند؛ تصاویر شهدا، عکس‌های دانش‌آموزان شهید میناب، روایت‌های کوتاه از زندگی رهبر شهید ایران، تابوت و پیکر نمادین شهید گمنام، تمثال شهدا و... هر کدام بخشی از این فضا را شکل دادند.

### ● دانش‌آموزان، مهمان سنگر

نمایشگاه که هم‌زمان با آغاز هفته دفاع مقدس با حضور مادر شهید ناودنا، رضا کرکان افتتاح شد، خیلی زود از یک فضای نمایشگاهی فراتر رفت و پای مدارس اطراف نیز به آن باز شد. ارتباط با مدارس محله شکل گرفت و گروه‌های دانش‌آموزی یکی

محمد رضا فیضی اچادرهایی که دور تا دور سازه کشیده شده، نخستین نشانه‌ای است که خبر از برپایی نمایشگاه می‌دهد. روی چادرها، پتو‌هایی از شهدا نصب شده و تابلو «به محفل شهدا خوش آمدید» نیز مسیر ورودی را نشان می‌دهد. وارد که می‌شویم، فضای داخل حال و هوای دیگری دارد. کف نمایشگاه با پتو پوشانده شده است و دیوارها با تصاویر شهدا جان گرفته‌اند؛ چشم‌های شهدای دانش‌آموز مدرسه میناب از قاب تصاویر، به هر تازه‌واردی خیره شده است. بالای سر، سربند‌های شهدا در کنار هم قرار گرفته است؛ انگار سقف این سنگر کوچک نیز قرار است بخشی از روایتش را تعریف کند.

گوشه‌ای از نمایشگاه، چند نوجوان و جوان روی پتوها نشسته‌اند و با هم صحبت می‌کنند. کمی آن‌سوتر، مادرانی همراه فرزندانشان وارد می‌شوند؛ بچه‌ها با کنج‌کاوی به اطراف نگاه می‌کنند و مادرها آرام‌تر قدم برمی‌دارند و تصاویر را تماشا می‌کنند. در این نمایشگاه هر گوشه می‌توان مکث کرد و به تماشا ایستاد.

### ● از مسجد تا دل محله

«ایده برگزاری یک نمایشگاه متفاوت برای هفته دفاع مقدس، از مدت‌ها قبل در ذهن ما شکل گرفته بود؛ ایده‌ای که قرار بود این بار نمایشگاه را از فضای معمول مسجد بیرون بیاورد و به جایی برسد که مردم بیشتری به آنجا رفت‌وآمد دارند.» این‌ها را

پس از دیگری مهمان این سنگر شدند. به گفته موسوی، استقبال مدارس از این برنامه خوب بود و دانش‌آموزان در گروه‌های صد نفری از نمایشگاه بازدید می‌کردند و فرمانده حوزه ۲ بسیج میثم به عنوان راوی هشت سال دفاع مقدس روایتگری می‌کرد و در ادامه، برنامه‌هایی برای ایجاد جذابیت بیشتر و افزایش مشارکت نوجوانان مانند آموزش سلاح‌شناسی، باز و بسته‌کردن اسلحه‌های جنگی و... برگزار و با استقبال خوب آن‌ها رو به روش.

### ● قهرمانان فراموش‌نشده

در میان دانش‌آموزانی که برای شرکت در یکی از محافل شهدایی به نمایشگاه آمده‌اند، سید علی حسینی، دانش‌آموز مدرسه ایمان، کمی بیشتر از بقیه مکث می‌کند. نگاهش روی تصاویر شهدای دانش‌آموز می‌ماند؛ چهره‌هایی که برای او، شبیه چهره هم‌کلاسی‌هایی است که دیگر قرار نیست پشت نیمکت‌های مدرسه بنشینند. او می‌گوید: به محض اینکه وارد نمایشگاه شدم، سمت راست، چهره شهدای دانش‌آموز را دیدم. آن‌ها امسال آسمانی شدند و دیگر سر کلاس درس حضور ندارند. آن‌ها قهرمان‌هایی هستند که تا بدانشان در دل‌های ما زنده می‌ماند.